روزنامه‌ورزشی‌صبح‌ایران■صاحب‌امتیاز:خبرگزاری‌جمهوری‌اسلامی■مدیرمسئول:علی‌عالی■تلفن:۱۴-۸۸۵۰۴۱۱۳■نمابر:۸۴۷۱۱۱۷۳■سازمان‌آگهی‌ها:۱۸۷۷-۸۸۵۰۱۳۰۰-۸۸۷۴۶۵۸۳■انتشارات:۵و۸۸۵۴۸۸۹۲■امورمشترکین:۸۸۷۴۸۸۰۰-۸۸۵۲۱۹۵۴■نشانی:تهران،خیابان‌خرمشهر،شماره۲۰۸/صندوق‌پستی۵۳۸۸-۱۵۸۷۵■چاپ:ایرانیان
info@inn.ir

ایراد اصلی در زمین مسابقه نیست

ضعف شخصیتی و مصائب آن

میعاد نیک

روزی که مالک باشگاه تبریزی با علیرضا منصوریان به توافق رسید تا سرمربی جدید تراکتوری‌های متمول تعیین شود، شاید اتفاق عجیبی در فوتبال باشگاهی ایران رخ داد. نخستین پرسش این بود که باشگاهی که بر اثر وجود یک مالک متمول و متمایل به شهرت نام‌های بزرگ زیادی را روی نیمکت‌اش دیده، چگونه به سرمربی اخراجی تیم استقلال و ذوب‌آهن راضی شده و روی افراد مشهور دیگری خط کشیده است. تراکتوری‌ها که تونی اولیویرا، جان توشاک و مصطفی دنیزلی را در استادیوم یادگار دیده بودند و روزهای پرفراز و نشیبی را هم با این نام‌های بزرگ سپری کرده بودند، تماشای نمایش‌های تراکتور لیگ بیستم را به کمتر از سرمربیگری آندره‌آ استراماچونی و یا نهایتاً علی دایی راضی نمی‌شدند اما نبود تی‌تی‌ها در صحنه و فراغ بال محمدرضا زنوزی برای تصمیم‌گیری باعث شد تا کسی روی نیمکت تیم پرشورها بنشیند که نه تفکر تاکتیکی مشخصی دارد و نه مدیریت ستاره‌ها را بلد است. به کارنامه علی‌منصور در استقلال رجوع کنیم؛ شاید اگر به‌طور متوسط از هر ۱۰ هوادار این تیم بپرسید کدام پیروزی باعث شد تا تبعات سنگینی برای تیم به بار بیاید، چیزی جز دربی معروف ۳ بر ۲ به سود استقلال را بر زبان نیاورد. تیم مضمحل و فروپاشیده استقلال با یک بُرد حساب نشده بلیت بقای علیرضا منصوریان را امضا کرد تا فجایع بعدی به بار بیاید و کار به جایی برسد که نباید.

منصوریان در همان روزهای پرحاشیه استقلال هم نشان داد که طرز برخورد با بازیکنان بزرگ و ستاره‌های حساس را نمی‌داند و رفتارهایش با حنیف عمران‌زاده، مجتبی جباری و دیگر ستاره‌ها مهر بطلانی به ادعاهای بی‌شمار رعایت احترام اسطوره‌ها و بزرگان از سوی وی زد. علی‌منصور روزهای عجیب و غریب کمی در استقلال نداشته و بارها نشان داده که نمی‌تواند از پس حتی ۲ ستاره هم بربیاید اما این‌که این سرمربی با این کارنامه ضعیف و این تفکرات نامشخص توانسته سکوی هدایت رختکن پرستاره و پرحاشیه تراکتور را در دست بگیرد، سؤال بزرگی‌ست که پاسخ دادن به آن تنها از زنوزی بر می‌آید. منصوریان را شاید بتوانیم یک سرمربی خوب برای تیم‌های کوچک، متوسط و حتی تیم‌های پایه بدانیم اما سپردن زمام امور رختکن یک تیم بزرگ به او مساوی‌ست با برخورد تایتانیک به کوه یخ. علیرضا منصوریان هر چه در تیم نفت تهران خوب کار می‌کرد و هرچه عملکرد تقریباً مثبت و باثباتی در تیم امید داشت، همه را در سودای سرمربیگری استقلال سوزاند و نابود کرد تا حتی در ذوب‌آهن عموماً بی‌حاشیه و آرام هم موفق نشود و عذرش را بخواهند.

حالا این سرمربی جوان و بی‌تجربه به تبریز رسیده و در دو بازی ابتدایی لیگ تنها یک امتیاز به مدد یک گل مشکوک دشت کرده. در این‌که بتوان منصوریان را تا آخر فصل در تبریز و بر مسند قدرت در تراکتور دید، با توجه به تفکرات زنوزی تشکیک وجود دارد اما واضح است که تحمل و توانایی سروکله زدن با ستاره‌هایی نظیر مسعود شجاعی، اشکان دژاگه، احسان حاجی‌صفی و دیگر بازیکنان در اخلاق و منش علی‌منصور نیست و او حوصله دغدغه‌های متفاوت بازیکنانش را ندارد. بزرگ‌ترین ضعف منصوریان در زمین نیست، سرمربی تراکتور در رختکن و در تمرینات ضعیف است و برای پیروزی باید مشکلاتش را جایی قبل از سوت آغاز مسابقه رفع کند.

رمان گویی به جای فوتبال

بخت دوم آقای مجری – سرمربی

سام ستارزاده

محدودیت‌های نقل و انتقالاتی حساب نشده این فصل از فوتبال ایران، به‌نفع مربیانی شد که چندسالی می‌شود کارنامه‌شان را با ناکامی پر کرده‌اند؛ نظیر علیرضا منصوریان. سرمربی سابق استقلال و تراکتور که طعم قعرنشینی تاریخی را با آبی‌های پایتخت چشید و با گاندوهای اصفهان نیز کمی بالاتر از باتلاق منطقه بقا دست‌وپا می‌زد، بدون این قانون، رویای نشستن برروی نیمکت بزرگ پرشورهای تبریزی را نیز نمی‌توانست در سر داشته باشد.

بخت دوم، در زندگی به هر کسی داده نمی‌شود اما پس از محرومیت درازمدت ساکت الهامی، دره گرگ‌ها این موهبت را به‌رایگان در اختیار علی‌منصور قرارداد، بدون این‌که وی شایستگی عملی برای کسب آن از خود نشان داده باشد. آغاز لیگ بیستم با دو تساوی برابر نفت مسجدسلیمان و نساجی نیز به این معناست که وی از این فرصت مجدد هم استفاده‌ای نبرده. در سطح اول فوتبال جهان، مربیان نام‌آشنایی نظیر کلودیو رانیری و کارلو آنچلوتی، برای اثبات این‌که تمام نشده‌اند، با لسترسیتی و اورتون معجزه خلق می‌کنند. برخلاف آنها، منصوریان به بر زبان آوردن این جمله قناعت کرد: «من باتجربه‌تر از گذشته شده‌ام».

با این حال، شخصیتی که سرمربی تراکتور از خود بروز می‌دهد، متفاوت از علیرضا منصوریانی نیست که پس از گذاشتن فانوس در دستان آبی‌های پایتخت، با یک کنفرانس مطبوعاتی ۹۰دقیقه‌ای و مملو از جملات احساسی و بدون بار فنی، به کارش در استقلال پایان داد. مصاحبه وی پس از بازی با ببرهای قائمشهر نیز به سخنان یک مجری مجرب برنامه ورزشی بیشتر شباهت داشت، تا یک سرمربی. ورود وی به جمع تبریزی‌ها گویای همه‌چیز بود. کاپیتان محبوب سال‌های نه‌چندان دور آبی‌ها، برای خوشایند تیفوسی‌های تیم جدیدش، تقریباً هرآن‌چه نشانی از استقلال داشت را در صفحه اینستاگرامش پاک‌کرد؛ یک ظاهرسازی که نشان می‌دهد منصوریان باز هم تحت‌تأثیر جو سنگین هواداری، دست به تصمیمات غلط خواهد زد.

سکاندار تراکتور متمول، دو هفته قبل تساوی برابر یکی از ارزان‌ترین تیم‌های لیگ بیستم را به‌گردن دفاع پنج‌نفره حریف انداخت. پس از دیدار با نساجی نیز، وقتی مدیر رسانه‌ای ۲۸ ساله هیأت فوتبال مازندران از انتقادش بر نقض پروتکل‌های بهداشتی دفاع‌کرد، با طعنه‌ای عجیب به او گفت: متولد چه سالی هستی؟ در بخش دیگری، با تعریف از حضور صدهزار نفری هواداران تراکتور در بازی‌های خانگی‌شان (پیش از کرونا) سعی کرد دل آنها را به‌دست آورد؛ در حالی‌که گنجایش ورزشگاه یادگار امام بیش از ۶۷ هزار نفر نیست. البته از بعد فنی، باید قبول‌کرد که تفکرات علی‌منصور تغییر کرده. دیگر از سبک کی‌روشی که تنها مناسب نفت بدون هوادار بود و در استقلال به بن‌بست رسید، خبری نیست و این شیوه در تبریز جایش را به فوتبال مالکانه و زمینی داده. بنا بر آمار سایت متریکا، تراکتور وی حداقل مقابل دو رقیب نخستش، ۶۰ درصد مالکیت را در اختیار گرفت و نزدیک به ۱۲۰۰ پاس با دقت بالای ۸۵ درصد بین بازیکنانش رد و بدل شد اما منصوریان هنوز فرمول بهره‌وری از موقعیت‌ها را نتوانسته کشف کند. هر تیمی در لیگ برتر آرزوی داشتن کلکسیون هافبک‌های طراح آدیداس‌پوشان را دارد. از همین رو، لنگ‌زدن در فاز هجومی به هیچ عنوان برای پرشورها توجیه‌پذیر نیست. شاید بتوان امید به تحول معجزه‌آسای تراکتور طی هفته‌های آتی داشت اما این امید، نه از سابقه چند فصل اخیر کادر فنی جدید آنها برخاسته و نه از آن‌چه منصوریان در این مدت کوتاه روی نیمکت یا خارج از آن به‌نمایش گذاشته. امیدی که داریم، به تحول شخصیتی خود علی‌منصور است؛ به اینکه خودش بخت دومی که نصیبش شده را غنیمت بشمارد و با ترک اندیشه‌ها و گزاره‌های رمان‌گونه‌اش، دوباره همان شخصیت متفکر و متینی شود که در نفت تهران از خود به نمایش گذاشت.

علی‌منصور، محبوب عکاسان، ناکام در زمین

در انتظار دیدن برف تبریز

سامان موحدی راد

تراکتور در دومین بازی خودش در لیگ هم نتوانست به پیروزی دست پیدا کند تا با گلی که شائبه آفساید داشت از شکست در برابر نساجی فرار کند. به این ترتیب علیرضا منصوریان شروع نامطمئنی را در تبریز استارت زد. تا اینجای کار منصوریان همان چیزی است که در این چند سال در کنار خط دیده‌ایم. پرسروصدا، پرانرژی، همچنان علاقه‌مند به گرفتن ژست‌های عجیب و غریب و البته کماکان ناکام در نتیجه‌گیری. او همچنان محبوب عکاسان است و تا اینجای کار نتوانسته نظر مدیرانش را جلب کند. اگرچه نمایش تیم او روز گذشته در برابر نساجی نمایش خوبی بود ولی به هر حال تساوی برابر یک تیم میانه جدولی آن هم با گلی که اعتراض‌های زیادی را در پی داشته و تثبیت دومین امتیاز از شش امتیاز ممکن برای هر مربی‌ای در تبریز می‌تواند خطرناک باشد. آن هم با مدیران پرتوقع تیم تراکتورسازی و هوداران زیاد این تیم که سال‌هاست منتظر موفقیت تیم‌شان در لیگ برتر هستند. برای همین شاید مهم نباشد که شاگردان منصوریان در بازی برابر نساجی ۵۰۰ شوت راهی دروازه کرده‌اند که بیش از ۸۰ درصد دقت داشته و همچنین شاید مهم نباشد که بازیکنان این تیم در این بازی ۱۴ شوت راهی دروازه نساجی کرده باشند. مهم همان دو امتیازی است که از دست رفته است. نگاهی به تیم‌های علیرضا منصوریان نشان می‌دهد که او چندان پیشرفتی در عرصه مربیگری نکرده و همچنان در زندگی حرفه‌ای او حاشیه بر متن غلبه کرده است. واضح است که این علاقه او به شوآف حتی به زندگی حرفه‌ای‌اش هم لطمه زده و عجیب است که او تلاشی برای درس گرفتن از این حواشی نمی‌کند. برای همین شاید حتی زیبا بازی کردن تیمش هم به کمکش نیایید و شاید او برف تبریز را نبیند.

منصوریان تغییر نمی‌کند

نمایش اغراق آلود

مازیار گیلکان

آغاز بد از عادات مربیگری منصوریان است اما این توجیه خوبی برای ناکامی دو هفته آغازین تراکتور در لیگ برتر نیست و منصوریان را در موقعیت دشواری قرار می‌دهد.

تراکتور اگر چه به دلیل شیوع کرونا بدون تماشاگر بازی می‌کند اما واکنش‌های هوادار در ورزشگاه به واکنش‌های مجازی تبدیل شده و منصوریان شاید خیلی زود با واکنش‌هایی مواجه شود که برای یک مربی جالب نیست. کار در تراکتور یک وجهش همین مواجهه با هوادار است. علیرضا منصوریان مربی بی‌تجربه‌ای در رابطه با هواداران نیست و عمری را در استقلال بازی کرده و سپس مربیگری را در استقلال تجربه کرده اما منصوریان در مربیگری تجربه‌های موفقی با هواداران ندارد و اطوار مربیگری‌اش هرگز منجر به توجه مثبت هواداران نشده و با سیاق اطوارهایش بیش از آنکه جذابیت بسازد، هواداران و رسانه‌ها را به انتقاد وادار کرده است. منصوریان گرایش چندانی به تغییر ندارد و هر چه هست و نیست به بخشی از شخصیت مربیگری او تبدیل شد و گریزی از آن ندارد.

تیم منصوریان در هفته دوم فوتبال بی‌مایه‌ای مقابل نساجی ارائه نداد. تراکتور در پاس موفق بود و تیم منظمی به نظر می‌رسید اما منصوریان بیش از آنکه انرژی خود را صرف مسائل بازی کند، مشغول اجرای حرکات لب خط است، حرکاتی که انگار بیش از همه تمرکز را از خودش سلب می‌کند و بیش از حرکات طبیعی یک مربی لب خط است. به این عادت نمی‌توان خرده گرفت اما گاهی انرژی منصوریان را صرف نمایشی بی‌حاصل می‌کند و این می‌تواند آثار ناخوشایندی برای تیمش داشته باشد.

منصوریان در مربیگری دچار اغراق در نمایش مربیگری است و این اغراق در فصلی که مربی استقلال بود بیش از همیشه به او آسیب زد و شاید در تراکتور نیز آسیب‌ها تکرار شوند.

«من در زندگی ورزشی‌ام یاد گرفتم که باید زحمت بکشم تا موفق شوم.» منصوریان نشان می‌دهد که می‌خواهد با کار سخت در تراکتور موفق باشد. او برای اجرای سیستم ۲-۵-۳ در تلاش است تا تیم بهتری بسازد و حتماً این فرصت را در تراکتور خواهد داشت که دو نتیجه ناخوشایند در دو هفته آغازین را جبران کند اما کاش تمام وقت و انرژی او در نمایش مربیگری تلف نشود.

رشته توییت

پژمان راهبر

نه مرده باد نه زنده باد

۱- شکست سنگین کلمبیا در مقدماتی جام جهانی با تبی نزدیک به کشور مبدأ در ایران دنبال می‌شود.

این بازتاب بسته به میزان تأثیری است که سرمربی پیشین ایران در دوره طولانی کار با تیم ملی بر اذهان هواداران فوتبال گذاشته است.

مثبت یا منفی. کی‌روش فراتر از آن است که نادیده گرفته شود.

۲- هواخواهی و علاقه بی‌قید و شرط چیزی است که کی‌روش بیش از هر جای دیگری در ایران تجربه‌اش کرد اما حضور در کلمبیا سرانجام راه او را از ایران جدا کرد، در حالی که بود و نبود او به بخشی از نزاع هواداری در ایران تبدیل شده بود.

جنگی که خود او از پایه‌گذارانش بود.

۳- به همین سبب است که هنوز تحلیل کار و نتایج کی‌روش و دامنه کاری‌اش در همین محدوده دنبال می‌شود.

طبیعی بود که دوست ندارندگانش منتظر فرصتی مثل شکست سنگین شب پیش بودند و لابد این به آن امواج تمسخرآمیز آن‌وری‌ها در موضوع اخراج برانکو از الاهلی در.

۴- اما واقعیت کاری اغلب مربیان را باید در مسیرشان جست نه در نتیجه آنی یا لکه‌هایی در کارنامه.

مربی پیروز مطلق؟ من نمی‌شناسم. در کارنامه بزرگترین‌های جهان هم نمی‌توانید رد این شکست‌ها را نبینید. مثلا همین شکست ۷ گله لیورپول مقابل استون‌ویلا.

البته که کری و کنایه هست اما گذرا.

۵- درباره پیروزی و موفقیت هم باید با وسواس بیشتر و دامنه بزرگتر بحث کرد.

مربیگری در قهرمانی و ریزالت خلاصه نخواهد شد. امروز مربی‌ها در جایگاه مدیر کنترل پروژه قرار گرفته‌اند. بنابراین مأموریت آنها بزرگتر از جام آخر سال و چیزهایی مثل این است.

در واقع راه‌های تازه‌ای برای برنده بودن.

۶- از همین جنبه است که انتخاب سرمربی مهم‌ترین تصمیم (سالیانه یا بیشتر) یک مجموعه ملی یا باشگاهی است.

سرمربی پیشانی و کاراکتر اصلی هر باشگاه فوتبال و خدای آنجا است.

اگر آدم درست برای شغل سرمربیگری انتخاب شده باشد نتایج (ریزالت نه، نتیجه) بلافاصله (زود، نه فوری) آشکار خواهد شد.

۷- برگردیم به بحث کی‌روش.

کار او در ایران موفق بود؟ بله. (دو صعود + ساخت یک تیم)

می‌توانست بهتر باشد؟ بله. (در بعد نتیجه و همراهی ملی)

درباره او به اندازه کافی می‌دانید. تکرار مکررات نکنیم.

اگر موافق باشید درباره او به این نتیجه برسیم که بزرگترین اسمی بود که در تاریخ روی نیمکت ما نشست.

۸- همچنین به تلاش او برای به دست آوردن و پیشروی ارج بگذاریم. اما همه چیز می‌توانست بهتر باشد. (این منحصر به کی‌روش نیست).

فکر می‌کنم با هر نتیجه‌ای در کلمبیا، کاری که او در ایران کرد از ارزش نخواهد افتاد، همانطور که اخراج برانکو از اهلی ربطی به دوره درخشانش در پرسپولیس نداشت.

۹- فکر می‌کنم انتقام‌جویی از سرمربی سابق تیم ملی که بعد از او دو مربی دیگر روی نیمکت نشسته‌اند، حقارت‌آمیز است کما اینکه آن دسته هواداران تندمزاج سرمربی تیم ملی هم باید از اتفاقات این روزها خوب آموخته باشند.

بدانید که فوتبال همیشه از اغراض و امراض قوی‌تر است.

۱۰- یک ورزش چند لایه و نامتقارن. پیچیده‌تر از اینکه با یک شکست یا یک برد پرگل به قضاوت نهایی برسید.

در این مسیر اگر منصف و بی‌عقده باشیم مسائلی که امروز تبدیل به کینه‌های بین ما شده‌اند پیش پاافتاده و سطحی به نظر خواهند رسید.

واقعاً ما به خیلی از این جنگ‌ها نیازی نداریم.

۱۱- مأموریت کی‌روش صعود با کلمبیا به جام جهانی است. او حالا کار دشوارتری دارد اما وضعیت تیم او آنقدر هم بد نیست. اگرچه امروز در شرایطی است که شاید اخراج شود.

برانکو در عمان وارث یک سیستم تنبل و فاقد کیفیت کمی مثل ایران است اما او هم در دور دوم مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۲ حاضر خواهد بود

۱۲- در نهایت

از همه اینها مهم‌تر، تیم ایران که با سرمربی جدید و کم نام و نشان‌ترش باید جایی برسد که Q و B آن را در کف دارند.

کاش با وانهادن آن دو ضمن آرزوی موفقیت، به تیم ملی خودمان برگردیم که مدت‌ها است علاقه واقعی از آن دریغ شده است.

و شاید یک دوران جدید.

نه مرده باد - نه زنده باد

گرافیتی زیبای ری کلمنس

هفته پیش ری کلمنس دروازه‌بان پرافتخار باشگاه لیورپول، تاتنهام و تیم ملی انگلیس در سن ۷۲ سالگی درگذشت.

او که از سرطان پروستات رنج می‌برد، یکی از بزرگترین دروازه‌بانان تاریخ فوتبال بود و در دوران قدرت‌نمایی لیورپول در دهه ۱۹۷۰ نقش مهمی داشت. کلمنس در دوران حضور بیل شنکلی و در سال ۱۹۶۷ از اسکاندورپ یونایتد راهی آنفیلد شده و با لیورپول پنج عنوان قهرمانی در لیگ، یک جام حذفی، یک جام اتحادیه، دو جام یوفا و سه جام باشگاه‌های اروپا را کسب کرد. او با ثبت ۴۶۰ کلین شیت، یکی از رکوردداران بسته نگه‌داشتن دروازه در میان دروازه‌بانان تاریخ است و یکی از ۲۹ بازیکن تاریخ فوتبال که بالای ۱۰۰۰ بازی رسمی داشت.

بعد از فوت او این گرافیتی زیبا در یکی از خیابان‌های منتهی به آنفیلد کشیده شده تا یادش همیشه در ذهن‌ها باقی بماند. جمله‌ای هم از بین شنکلی، سرمربی اسطوره‌ای لیورپول در بالای آن خودنمایی می‌کند که نوشته: «او هر چیزی که می‌توانست به تیم داد. اصلاً نمی‌خواست شکست بخورد. یک دروازه‌بان بزرگ بود» و بعد پایین‌تر هم تعداد بازی‌های او در لیورپول درج شده: ۶۶۵ بازی.

این گرافیتی و نقاشی زیبای شهری از آن چیزهایی است که فوتبال ایران کم از آنها دارد. بیشترین سهم فوتبال ایران از دیوارهای شهر، شعارهای بی سروته هواداری اسپری شده روی خیابان‌ها است که به معنای واقعی شهر را زشت می‌کنند.

طنزیم

هومن جعفری

حیای شرقی

هنوز کانون مربیان آلمان و انگلیس علیه یوآخیم لو و ساوت گیت بیانیه نداده‌اند؟ هنوز انجمن پزشکی ورزشی فدراسیون فوتبال کلمبیا نسبت به اثرات مخرب کارلوس کی‌روش در این کشور اعتراض نکرده؟ هنوز تکلیف صاحب جدید ساختمان پک بوگوتا مشخص نشده؟

این چه وضعی است؟ شرم‌تان نمی‌آید؟ ما تازه داشتیم دو روز آسایش را تجربه می‌کردیم که دوباره دعوای کی‌روش - برانکو در تهران آغاز شد. این می‌گوید کارلوس خودش خوب بود مترجمش بد بود، آن یکی می‌گوید کارلوس بد بود از اینجا هم بیرونش کنید جایش را بدهید به پسرخاله ما!

این دیگر چه وضعش است؟ الان در تهران باید برای چشم‌های اشکبار کودکان کلمبیا گریه کنیم؟ الان باید نگران تن استاد گابریل گارسیا مارکز باشیم که در قبر نرود روی ویبره؟ خودمان کم بدبختی و بی‌چارگی داریم الان باید نگران مظلومان کلمبیا باشیم؟ لابد فردا می‌خواهیم برای دفاع از مردم مظلوم کلمبیا، پرویز خان مظلومی و حمید خان درخشان و ویسی و تارتار را بفرستیم نجات‌شان دهند؟ این چه بساطی است؟ این چه وضعی است؟ ما تا کی باید اسیر دعوای «کارلوس» صفتان و «برانکو» وشان باشیم؟ تمام نمی‌کنید؟

***

با این گلی که آقای کورتوآ دروازه‌بان تیم ملی بلژیک به صورت «شوت از بیرون - لایی از درون» میل کرد، جداً به حال بد سوشا مکانی گریه کردیم. سوشا تازگی‌ها مصاحبه کرده و به این نتیجه رسیده که باید گلر شماره یک تیم ملی باشد. حالا اینجا ایران است و سوشا یک ته مانده‌ای حیای شرقی دارد وگرنه اگر بچه بروکسل بود، خودش می‌رفت سر تمرین تیم ملی، یک شلوار باب اسفنجی به کورتوآ می‌داد و دو تا نرومادە می‌خواباند زیر گوشش و طوری برای این تیم گلری می‌کرد که هم گل‌های قالی پرپر شوند و هم اینکه پاپتی‌های حومه بروکسل، حسابی عشق کنند و با کتونی‌های پاره، در خیابان گلری نموده و عکس‌های او را از روی روزنامه بروکسل ورزشی بخرند و به دیوار مسکن مهرشان بزنند!

حافظه تاریخی

عمر ممانی

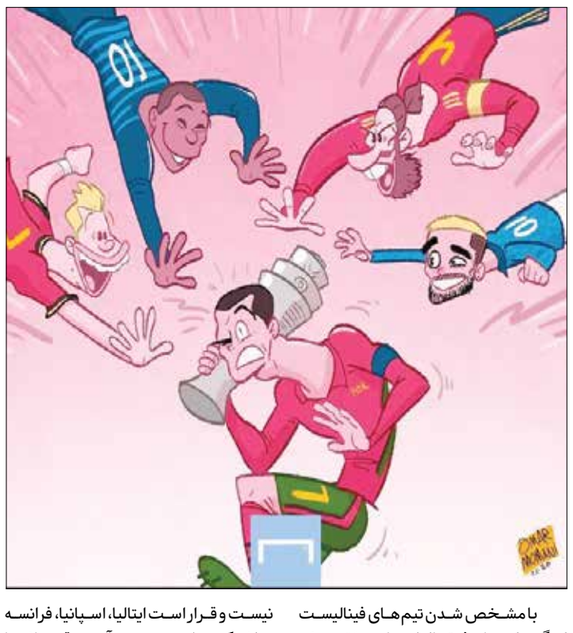

با مشخص شدن تیم‌های فینالیست لیگ ملت‌های فوتبال اروپا در هفته پیش حالا همه می‌دانند که جام نقره‌ای قهرمانی دیگر در دستان کریستیانو رونالدو نخواهد بود چون دیگر خبری از نام پرتغال در ۴ تیم نهایی نیست و قرار است ایتالیا، اسپانیا، فرانسه و بلژیک برای به دست آوردن قهرمانی با یکدیگر رقابت کنند. مرحله نیمه‌نهایی و فینال مسابقات هم مهر سال ۱۴۰۰ برگزار می‌شود.

در چنین روزی

۱آذر۱۳۸۵

فکری: قلعه‌نویی را مانند پتکی بر سر استقلال می‌کوبند

محمود فکری درباره تغییر نحوه بازی استقلال به خبرگزاری فارس گفت: تغییر کادر فنی باعث شد تیم ما دیرتر به هماهنگی برسد. اوایل که در ترکیب تیم تغییراتی ایجاد می‌شد بچه‌ها با هم هماهنگ نبودند اما حالا بازی به بازی بهتر ظاهر می‌شویم. اصلاً به این فکر نمی‌کنیم که کدام تیم بالاتر یا پایین‌تر از ما قرار دارند. فعلاً باید به فکر جمع‌آوری امتیازات باشیم.

فکری درباره درگیری سیاوش اکبرپور و رفتار خشن او گفت: سیاوش باید مراقبت رفتارش باشد تا حداقل خودش ضرر نکند. او دیروز اشتباه کرد؛ در حالی که بازیکن باید حرفه‌ای فکر کند و هوشیار باشد. وقتی انصافی کارت قرمز گرفت، دلیلی ندارد خودش را وارد ماجرا کند تا اخراج شود و در نهایت کار به ضرر تیم خودمان تمام شود.

وی ادامه داد: خودم با سیاوش صحبت‌های لازم را انجام دادم و گفتم که باید حرفه‌ای‌تر برخورد کند. البته گاهی اوقات در جریان بازی هیجانات روی اعصاب تأثیر می‌گذارد و مانع از این می‌شود که بازیکن تصمیم درستی بگیرد.

کاپیتان تیم استقلال درباره حضور یا عدم حضور قلعه‌نویی در استقلال عنوان کرد: وی همیشه کنار تیم است و باشگاه هم همواره از مشاوره‌های او استفاده می‌کند اما در جریانات اخیر عده‌ای از نام قلعه‌نویی در حال سوءاستفاده کردن هستند. وی و مرفاوی باید حواس‌شان را جمع کنند تا جو تیم متشنج نشود. البته وقتی یک قانونی برای همه روشن است، دلیلی ندارد موضوع اینقدر طول بکشد و مردم قلعه‌نویی را بر سر استقلال بکوبند.

در چنین روزی

۱آذر۱۳۸۸

شکست ایران مقابل اردن در یک بازی انتقادآمیز

تیم ملی فوتبال ایران با ارائه یک بازی ضعیف و انتقادآمیز با یک گل مغلوب تیم اردن شد.

شاگردان قطبی در این دیدار در غیاب نفرات شاخصی چون جواد نکونام و مسعود شجاعی به مصاف حریف خود رفتند و در پایان با ارائه یک بازی ضعیف و در حالی که موفق به خلق موقعیت گل جدی نشدند، بازی را به حریف واگذار کردند. شاگردان افشین قطبی که در نیمه نخست عملکرد مناسبی نداشتند، با آغاز نیمه دوم لحظاتی دروازه حریف را تهدید کردند اما در ادامه عقب نشسته و به دفع حملات مداوم اردنی‌ها پرداختند. نخستین خطر جدی بازی در اواسط نیمه دوم خلق شد و ضربه سر محمد جمال به تیر دروازه ایران برخورد کرد. دقایقی بعد باز هم دروازه ایران به طور کاملاً جدی تهدید شد اما حسین کعبی از روی خط دروازه ضربه سر مهاجم اردن را برگشت داد تا حملات متعدد حریف کماکان بی نتیجه باشد. بازی هجومی و برتر اردن بالاخره کارساز شد و در دقیقه ۷۹ عامر با استفاده از یک پاس عرضی دروازه مهدی رحمتی را گشود تا میزبان مزد حملات خود را بگیرد. در ادامه باز هم اردن بود که برای گلزنی موقعیت به دست آورد اما رحمتی در دقایق پایانی بازی ضربه سر مهاجم حریف را به سختی مهار کرد تا اختلاف بیشتر نشود و در نهایت ایران با یک گل مغلوب شود.

اسامی بازیکنان ایران: مهدی رحمتی، هادی عقیلی، محمد نصرتی، حسین کعبی، احسان حاجی‌صفی، خسرو حیدری (هاشم بیک‌زاده)، پژمان نوری، آندرانیک تیموریان، ایمان مبعلی (میلاد میداودی)، محمدرضا خلعتبری و کریم انصاری‌فرد (آرش برهانی)